

ردپای ایزدبانوان ایران باستان (آناهیتا، تیشتر، مهر) در آیین های باران خواهی قوم بختیاری

امین احمدی بیرگانی*

چکیده

آب در فرهنگ و آداب و رسوم اجتماعی تمام مناطق، مذاهب و ادیان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. به همین دلیل آیین های متنوع و متفاوت باران خواهی را در سراسر ایران می بینید که بسیاری از آنها با اساطیر کهن پیوند می خورد. آیین باران خواهی در زمره مراسم هایی است که برای تمنای باران در برابر خشم طبیعت به صورت گروهی یا انفرادی اجرا می شود. قوم بختیاری نیز در طول تاریخ پرفراز و نشیب خود از ادوار بسیار کهن تا به امروز برای آب، ارزش و منزلتی فوق العاده قائل بوده است و در راستای این ارزش گذاری، آداب، سنن و آیین ها و باورهای کهن خاص خود را دارد؛ که پیوندی عمیق و مانا با اسطوره ها و باورهای ساکنان سرزمین ایران و حتی بین النهرین دارد. آیین های باران خواهی در قوم بختیاری به نام های هلکوسه، دا بارون و سنگ های باران زا معروف هستند این آیین ها به روش گروهی انجام می شود. روش پژوهش حاضر توصیفی - تحلیلی بوده و برای گردآوری اطلاعات از دو شیوه تحقیق میدانی و کتابخانه ای استفاده شده است. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد این آیینها، ریشه در اساطیر کهن دارند و نمایانگر پیوند انسان، طبیعت و جهان بینی اساطیری هستند.

کلمات کلیدی: آب، باران خواهی، قوم بختیاری، آیین و رسوم، اسطوره

* عضو پژوهشکده قوم بختیاری، شهرکرد، ایران. ahmadi.amin50@yahoo.com

۱. مقدمه

در نزد بسیاری از کشورها و مردمانی که دارای پیشینه تاریخی کهن می باشند سرچشمه زندگی و باروری را به صورت موجودی مادینه تصور می کنند که هستی از آن زائیده شده است. ایرانی ها نیز در همین راستا آب را مظهر پاکیزگی و حیات قلمداد می نمایند و آب را مایه بقا و حیات آدمی می پندارند. مایه حیات بودن و تقدس آب، آن را چنان در ذهن ایرانیان شایسته گردانیده که از زمان زرتشت و پیش از آن برای این عنصر، ایزدان و فرشتگانی قائل بوده اند و برای هر یک از این موکلان آیینها و نیایش هایی اجرا می کرده اند.

پس از آتش، آب برای ایرانیان مقدس ترین عنصر بوده است. «آب عنصر نخستین است که همه چیز از آن آفریده شد، بنابراین یک نماد باستانی برای زهدان و باروری و همچنین نشانه تطهیر و نوزایی بود.» (هال، ۱۳۸۰: ۱۹۵) قدیمی ترین سرگذشت خدایان و کهن ترین توجهی که به آفرینش و ایجاد طبیعت و انسان شده است، در قالب افسانه و اسطوره بیان گردیده است. قرابت افسانه‌ها و اسطوره‌ها این امکان را به ما می دهد که رد پای بسیاری از اساطیر و آیین های کهن را در آنها جستجو کنیم. عقیفی به نقل از فریزر می نویسد: که «اساس همه ی اساطیر به باروری و حاصلخیزی طبیعت باز می گردد» (عقیفی، ۱۳۷۴: ۱۳)

«اسطوره عبارت است از روایت یا جلوه‌های نمادین درباره‌ی ایزدان، فرشتگان، موجودات فوق طبیعی و به طور کلی جهانشناختی که یک قوم به منظور تفسیر خود از هستی به کار می‌بندد؛ اسطوره سرگذشتی راست و مقدس است که در زمان ازلی رخ

داده و به گونه‌ای نمادین، تخیلی و وهم انگیز می‌گوید که چگونه چیزی پدید آمده، هستی دارد، یا از میان خواهد رفت و در نهایت اسطوره به شیوه‌ای تمثیلی کاوشگر هستی است» (اسماعیلپور، ۱۳_۱۳۸۷:۱۴). «اساطیر حتی در ساده‌ترین سطوح خود، انباشته از روایاتی است معمولاً مقدس درباره‌ی خدایان، موجوداتی فوق بشری و وقایع شگفت‌آوری که در زمانهای آغازین، با کیفیاتی متفاوت با کیفیات زمان عادی ما، رخ داده و به خلق جهان و اداره آن انجامیده است، یا در دوران‌های دوردست آینده رخ خواهد داد» (بهار، ۱۳۹۱:۳۷۱). «صحت تاریخی اسطوره مهم نیست، بلکه آنچه اهمیت دارد مفهوم و ارزشی است که آنها نزد پیروان خود دارند» (گویری، ۱۳۸۲: ۲۱۵)

۲. ایزدبانوان آب

در اساطیر ایرانی از سه ایزد مرتبط با آب و باران یاد شده است: آناهیتا یا ناهید که ایزد موکل بر آبهاست و بر بلندترین طبقه آسمان جای دارد. او را سرچشمه همه زایشها می‌دانند. آناهیتا گردونه‌ای دارد با چهار اسب سفید که آن چهار اسب برف و باران و تگرگ و ابر هستند؛ تیشتر که به طور مشخص فرشته باران آور است. سرانجام ایزد مهر که علاوه بر نگهداری از کشتزارها یکی از کارهایش باران سازی است.

در باور مردم، ایزد تیشتر همواره با ایزدی دیگر که ناهید یا آناهیتا الهه آب‌های روان و چشمه‌سازان در ایران باستان بوده در مجموعه یشت‌ها، یشت پنجم موسوم به آبان یشت ویژه این ایزد بانوی قدرتمند است، این یشت با دو یشت دیگر یعنی مهر یشت و زامیاد یشت قدمتی فوق‌العاده دارند و متعلق به ایران پیش از عصر اوستا می‌باشند. موضوع آبان یشت مربوط به آناهیتا می‌باشد که در آن به قداست و حرمت آب و

اردیسور آناهیتا اشاره دارد. بختیاری ها در همین راستا آب را مظهر پاکی و نور و عنصری که آلودگی و ناپاکی از آن به دور است یاد می نمایند.

۱_ ۲. آناهیتا الهه آبها

«اردویسور آناهیتا»، ایزد موکل آبها و دارای کارکردهای ویژه‌ای است. کارکردهای اصلی و متعدد این بغ بانو را می‌توان از مطالعه بخشهای مختلف یشتها دریافت. ایزدبانویی با شخصیتی بسیار برجسته که جای مهمی در آیینهای ایران باستان به خود اختصاص می‌دهد و قدمت ستایش او به دوره‌های بسیار پیشین و حتی به زمان پیش از زرتشت می‌رسد (نک: بهار، ۱۳۸۶: ۹۵ و آموزگار، ۱۳۸۷: ۲۳). آناهیتا نام ایزدبانوی آب و باران در مذاهب ایران باستان است. در آبان یشت که یکی از کهن‌ترین بخش‌های اوستاست، آناهیتا این گونه توصیف می‌شود: «اردویسور آناهیتا، همواره به پیکر دوشیزه‌ای جوان، زیبا، برومند، برزمنند، کمر بر میان بسته، برومند، راست بالا، آزاده، نژاده و بزرگوار که جامه‌ی زرین گرانهای پرچینی در بردارد، پدیدار می‌شود» (دوستخواه، ۱۳۸۵: ۳۲۰).

آناهیتا «الهه‌ی نظر کرده‌ای که حافظ همه‌ی آبهای جهان است. فرشته‌ی نیکوخصالی که نماد زیبایی در پیکر متناسب او مجسم می‌گردد. ملک مقربی که جایش بر بلندترین اشکوبه‌ی آسمان است، آزاده‌ی خوش اندامی که جبهه‌ی قیمتی پرچین زرین در برکرده، گوشواره‌ی چهارگوش بر گوش و طوقی زرین به دور گلوی نازنین خود دارد. عزیز کرده‌ی اهورا مزداست و تاج افتخاری با صد ستاره‌ی آراسته بر سر نهاده و بر

گردونه‌ای سوار است و افسار چهار اسب یکرنگ و خوش ترکیب را در دست دارد و گردونه را جلو می‌راند» (عنصری، ۱۳۶۱: ۴۴).

دلیل این که ایزد آب را مؤنث پنداشته و ایزدبانو قلمداد کرده اند، به خاصیت باروری و فراوانی و زندگی بخشی آب باز می‌گردد. طبیعی است که در بسیاری از دینها، سرچشمه‌ی زندگی و باروری را به صورت موجودی مادینه تصور کنند. در ایران، آناهیتا سرچشمه‌ی همه‌ی آبهای روی زمین است، منبع همه‌ی باروری‌ها است، نطفه‌ی همه‌ی نران را پاک می‌گرداند و رحم همه‌ی مادگان را تطهیر می‌کند (نک: هینلز، ۱۳۶۸: ۳۸). ایرانیان قدیم برای بغ بانو آناهیتا پرستشگاهها بر پا کرده و او را در معابدش به بزرگی و شکوه ستایش می‌کردند، به روایت کتب پهلوی و اوستایی ستایش او در کنار آب روان همراه با قربانی و پیشکش بود. اکنون با گذشت قرن‌ها هنوز هم حضور ایزد بانو در بسیاری از مراسم‌ها و آیین‌های بختیاری که به نوعی با زنان و دوشیزگان مدیریت آن را بر عهده دارند پیداست. این آداب و رسوم که ریشه در فرهنگ باستانی این منطقه دارد، نسل به نسل از پس هزاره‌ها گذشته است و هم اکنون در فرهنگ مردم رایج است. «به دلیل قدمت زیادی که دارند در بیشتر موارد با سنت و تاریخ مردمان یک منطقه پیوند خورده اند و جزئی از فرهنگ روزانه و انکار ناپذیر مردم شده اند» (عابدی، ۱۳۸۵: ۲۶).

آناهیتا به عنوان ایزد آبها و نیکی‌ها شناخته می‌شود و در فرهنگ بختیاری مورد ستایش قرار می‌گیرد. او نماینده‌ی باران، آب و زراعت به شمار می‌رود. آب در فرهنگ بختیاری به عنوان نشانه‌ای از زندگی و باروری شناخته می‌شود و آناهیتا نماد این زندگی و رونق کشاورزی است. در زمان‌های خشکسالی یا نیاز به بارش، مردم

بختیاری به نیایش و دعا در حضور آناهیتا می‌پردازند. این نیایش‌ها معمولاً شامل فدیه‌ها و نذرها نیز می‌شود. آناهیتا به عنوان نماینده‌ای از نیروی طبیعت و آسمان در نظر گرفته می‌شود. مردم بختیاری به یاد آناهیتا در عملکردهای روزمره‌ی خود، به ویژه در کشاورزی اهمیت می‌دهند.

آناهیتا به عنوان یک ایزد زنانه، نماد قدرت و نقش مهم بانوان در جامعه نیز است. زنان در حیات اجتماعی و اقتصادی بختیاری‌ها نقش متعالی ایفا می‌کنند و به همین دلیل، احترام به آناهیتا به نوعی نشان‌دهنده‌ی ارادت به زنان در این جامعه است. در مجموع، آناهیتا در فرهنگ بختیاری به عنوان ایزدی محترم و برکت‌بخش شناخته می‌شود و نقشی کلیدی در تداوم زندگی و فرهنگ کشاورزی این قوم ایفا می‌کند. آناهیتا به عنوان الهه آب‌ها و نهرها شناخته می‌شود و در فرهنگ بختیاری نیز آب منبع زندگی و برکت محسوب می‌شود. احترام به آب و دعا برای بارندگی بخشی از زندگی روزمره مردم این منطقه است. در مراسم‌های نذری و مذهبی، مردم بختیاری سفره‌هایی تزیین می‌کنند که عناصر طبیعی مانند آب و محصولات زراعی در آن‌ها جای دارد، که این موضوع می‌تواند بازتابی از اهمیت آناهیتا باشد.

- آناهیتا نماد باروری و زیبایی است و در فرهنگ بختیاری نیز توجه به زیبایی طبیعی و باروری زمین به شدت مورد احترام است. این اعتقاد به رنگ‌ها و زیبایی‌های طبیعت در لباس‌های محلی و زندگی روزمره بختیاری‌ها مشهود است. همان‌طور که در فرهنگ بختیاری، مراسم‌هایی برای خواستن باران برگزار می‌شود، در ایران باستان نیز آناهیتا مرتبط با دعا و نذری برای باران بوده است.

آنهایتا به عنوان یک الهه زنانه نماد قدرت و احترام برای زنان در جامعه است، که در فرهنگ بختیاری نیز زنان نقش مهمی در مدیریت خانواده و حفظ آداب و رسوم دارند. این اشتراکات نشان‌دهنده یگانگی عمیق میان آداب و رسوم محلی و باورهای باستانی ایرانیان است.

۲_۲. تیشتر ایزد باران

در ایران، قدیمیترین نشانه های حاکی از نیایش برای باران را، در تیریشتر، یشت ستایش تیشتر، ایزد باران می‌بینیم. در این یشت، وظیفه‌ی پایداری در برابر دیو خشکسالی به صراحت و روشنی از وظایف تیشتر به شمار آمده است. تیشتر پیش نمونه‌ی آب را به شکل باران به سراسر جهان بخشید و اصل همه آبها، سرچشمه‌ی باران و باروری به شمار می‌رود.

در آغاز، وقتی که اهریمن و دیوانش به ضد اهورامزدا به ستیز درآمدند، ایزد تیشتر به یاری اهورامزدا برخاست تا باران ایجاد کند. وی برای اجرای عمل خویش، به سه شکل درآمد؛ نخست به شکل جوانی پانزده ساله به مدت ده روز و ده شب در آسمان پرواز کرد، از ابرها باران را به زمین فرستاد، هر قطره‌ای به اندازه‌ی تشتی شد تا آب به بلندی قامت مردی زمین را فراگرفت، جانوران موذی هلاک و در سوراخهای زمین غرق شدند. آن گاه مینوی باد وزیدن گرفت و آب را به زمین برد و از آن دریای فراخکرد «اقیانوس» به وجود آمد.

در ده شب و ده روز دوم، ایزد تیشتر به شکل گاو درآمد، در آسمان پرواز می‌کرد و باران را می‌بارانید. زمین آکنده از لاشه‌ی جانوران زیانبخش و زهرآگین شد و بوی

عفونت آنها خاک را فراگرفت. برای اینکه زمین از زهر آنها شسته و پاک شود، تیشتر به شکل اسب سفیدی با سم بلند درآمد و به دریای فراخکرد فرو رفت. در آن جا با رقیبش، دیو آپوش خشکسالی پوش نیرومندتر بود، ایزد باران نتوانست با وی مقابله کند و شکست خورد و دیو درگیر شدند، در آغاز، آکه به صورت اسب سیاهی بود و گوش و دم سیاه و ظاهری ترسناک داشت رو به رو شد. آنها با هم خشکسالی او را هزار گام از دریای فراخکرد دور انداخت و خشکی و تشنگی بر زمین چیره شد. مردم فارس سرودی دارند که صحنه‌ی این نبرد را به تصویر کشیده است (نک: اوستا، ۳۳۳:۱۳۸۵؛ اسماعیلپور، ۱۷۹، ۱۳۸۱؛ هیلنز، ۳۶: ۱۳۶۸).

تیشتر برای پیروزی و رستگاری، از اهورامزدا یاری خواست. وی به آفریدگار جهان شکایت کرد که ناتوانی او از آن است که مردم، نیایشها و قربانیهای شایسته برای او به جا نمی آورند، خود برای او قربانی کرد تا نیروی ده اسب، ده شتر، ده گاو نر، ده کوه و ده رود را بدو بخشید. بار دیگر، تیشتر به آپوش حمله کرد. چون برابر هم قرار گرفتند، دیو به هراس افتاد و به یک فرسخ دور گشت و گریخت. تیشتر او را هزار گام از دریا دور کرد. در این کارزار، او پیروز شد. پس آب را از دریا برگرفت و به کشتها، دشتها و مرغزارها جاری کرد. در این بارندگی، دیوهای سپینچک و تیشتر، آتشیوازیسته از گرز خود برکشیده و سپینچک را هلاک نمود. از ضربت گرز، خروش بزرگی از نهاد سپینچک برخاست. این خروش همان صدای رعد است که هنوز پیش از بارندگی شنیده میشود. آن گاه تشر ده شبانه روز، باران فرو ریخت و هم‌ه زهر و زیانبارگیهای که از جانوران موذی مانده بود، با آب درآمیخت و به دریا برد (نک: هیلنز، ۳۶: ۱۳۶۸؛ آموزگار، ۲۶: ۱۳۸۷؛ اسماعیلپور، ۱۳۸۱: ۸۷).

۳_ ۲. مهر

در اوستا این ایزد از بزرگترین ایزدان است در آیین کهن ایران پیش از عنصر اوستایی یکی از بزرگترین خدایان بوده است. در ساسنکریت میترا و در فارسی امروز مهر خوانده می‌شود. میترا، دوست، رفیق، همدم و یاری دهنده، خدای نگهبان آفتاب، نام یکی از ده آتش و نام یکی از فرشتگان آسمان است. سنت پرستش مهر به دورانهای بسیار کهن برمی‌گردد. او به صورت میتره با مفهوم پیمان و دوستی ظاهر می‌شود. او خدای پیمان است و پیمانها و نظم و راستی را نگاهبانی می‌کند.

وظیفه مهم او نظارت بر پیمانهاست. پیمان میان زن و مرد یا پیمان میان دو کشور. او با هر که پیمان را بشکند دشمنی می‌کند و در این صورت که به خدای جنگ مبدل می‌شود. از این رو سپاهیان در ایران باستان پیش از رفتن به جنگ با کشورهای ضد مهر بر بالای اسبهایشان نیایشهایی به درگاه مهر انجام می‌دادند و ریشه میترائیسم یا کیش مهر در غرب از همین جاست. مهر همراه با خورشید از مشرق به مغرب می‌رود. برگردانه‌ی مینوی ستاره‌نشانی با چهار اسب سفید نامیرا که نعلهای زرین و سیمین دارند و ساخته پند مینو هستند سوار می‌شوند. به هنگام حرکت در گردانه، ایزد بهرام پیشاپیش او به صورت گرازی گام برمی‌دارد. مهر نقش بسیار مهمی در آیینهای دینی داشته است. بازمانده‌ای از آنها جشن مهرگان است که در روز مهر شانزدهمین روز ماه برگزار می‌شده است. در فراسوی اندیشه‌های هندی و ایرانی، مهر به صورت خدای مهم رومی با نام میتراس در می‌آید که احتمالاً پرستش او و آیین مربوط به آن از طریق سپاهیان و ملتزمان دربار و بزرگان در آسیای صغیر و ارمنستان به غرب راه پیدا کرده و گسترش یافته است، به گونه‌ای که در قرن اول و دوم میلادی یکی از بزرگترین

آیینهای دینی روم بوده است. میترا یکی از ایزدان مهم در دین زرتشتی و همچنین در دین مهرپرستی است که به مظهر نور و حقیقت شناخته می‌شود.

میترا به‌عنوان ایزدی که ثروت، رونق و برکت را به همراه دارد، شناخته می‌شود. بارش باران و آب به‌عنوان منابع طبیعی اساسی برای کشاورزی و زندگی انسان‌ها به‌حساب می‌آید. بنابراین، ارتباط میان میترا و آب به‌طور غیرمستقیم از طریق برکت و رونق اقتصادی برقرار است. میترا به‌عنوان واسطه‌ای بین آسمان و زمین عمل می‌کند. با توجه به خاستگاه او از نور، می‌توان گفت که میترا در هدایت و نگهداری منابع طبیعی، از جمله باران و آب، نقشی کلیدی دارد. به‌عنوان مثال، او در اساطیر به تقویت دوستی و همکاری میان خدایان و طبیعت می‌پردازد در نتیجه، میترا به‌عنوان مظهر روشنی و برکت، به‌طور غیرمستقیم با آب و باران در ارتباط است و نقش مهمی در رونق و زراعت مردم ایرانیان باستان ایفا می‌کند.

۳. جایگاه آب در فرهنگ قوم بختیاری

«فرهنگ عامیانه و آداب و رسوم رایج در نزد ایرانیان، یکی از منابع بکر و با ارزشی است که در بطن خود، روح زندگی و فلسفه‌ی حیات را روشن ساخته و نمادها و استعاره‌ها و علایم را به یاری گرفته و لطافت احساس انسان خالق و هنر آفرین این سرزمین را در قالب الفاظ ریخته و در کسوت اعمال و حرکات جلوه‌گر ساخته و زندگی پر تمثیل و اشاره و کنایه‌ی مردم حساس را بازگو می‌کند. فرهنگ عامیانه در قالب افسانه‌های پر هیجان و شور انگیز و ترانه‌های عامیانه، پیام و صدای قوم و نیاکان ما را از خلال صدها سال منعکس و به گوش ما می‌رساند و در همین جاست که

آداب و رسوم و آیین‌ها از حد سرگرمی ساده فراتر می‌رود و بسیاری از باورها و اعتقادات مردم در مراسمی آیینی مجسم می‌شود». (شهبازی، ۱۳۸۷: ۷۲) آب، عنصر شگفت‌انگیز طبیعت است که همواره مورد احترام و تقدیس ملل مختلف بوده و فراوانی پیرامون آن شکل گرفته است. «در بختیاری، آب همچون مظاهر طبیعت از بسیاری از اعتقادهای آیینی قداست برخوردار است و بارستی را بر دوش دارد. آب، نماد روشنایی و باروری است. بسیاری پیوندهای آیینی بختیاری آمیخته با آب است. پشت سر مسافر آب می‌ریزند؛ با نگاه کردن به آب نیاز و آرزو می‌کنند، برای برآوردن حاجت از آب کمک می‌گیرند.

در فرهنگ‌های قومی آب جان دارد و آدمی سرشته از آب و گل است. بختیاری، آب بر آتش نمی‌ریزد، آب و آتش مقدس اند و حرمت دارند. خاموش کردن آتش با آب، نحس و نامبارک و سنت‌شکنی است، اگر آب در اجاق بریزند بزرگی از خانواده خواهد مرد» (حموله، ۱۳۹۳: ۷۶۳). همچنین بختیاری‌ها آلوده کردن آب چشمه‌ها و رودخانه‌ها را گناهی نابخشودنی بر می‌شمردند و معتقد هستند که ریختن آلودنی‌ها بر چشمه‌ها موجب خشم خدا می‌گردد.

در نزد بختیاری‌ها رسم بر آن بوده که حرمت آب در همه حال نگاه داشته شود اما گاهی از روی سهو ممکن بود که آب موجود در کاسه یا ظرف بر روی زمین ریخته شود در چنین شرایطی بختیاری‌ها اعتقاد به خیر بودن آن داشته و به فردی که مرتکب این عمل بوده می‌گویند: ایرادی ندارد آب مایه نور و روشنی است. یعنی این عمل موجب بی‌حرمتی به آب نبوده بلکه موجب حضور برکت و نور در خانه می‌باشد. از دیگر موارد حرمت آب در نزد بختیاری‌ها آن بود که ریختن آب را که خود مظهر پاکی

و نور است بر روی آتش که آن نیز مظهر پاکی و تطهیر کننده قلمداد می شود را گناهی نابخشودنی قلمداد می نمودند. و اعتقاد دارند که این عنصر خود مظهر پاکی و پاکیزگی و تطهیر کنندگی دارند و نباید به ستیز برخیزند.

در نزد بختیاری ها بنابراین برکت دهنده بودن خواسته ها هرگاه شخصی بدون اینکه آب خواسته باشد به او آب تعارف کنند می گویند: «آب طلب نکرده مراد است و آرزوها را برآورده می کند» و فرد نیز ضمن گرفتن آب در دل دعایی می کند به امید اجابت و آنگاه آب نطلبیده را می نوشد.

۴. جایگاه باران در قوم بختیاری

در فرهنگ بختیاری، ایزد آب و باران به عنوان یکی از خدایان مهم و متبرک شناخته می شود و نقش بسیار بالایی در زندگی روزمره و زراعت ایفا می کند. این ایزد به خصوص در زمان خشکسالی و کمبود باران مورد دعا و نذر مردم قرار می گیرد و به عنوان خدایی رحمان و بخشنده معرفی می شود.

این ایزد به عنوان نهاد برکت و نعمت در کشاورزی معرفی می شود و مردم معتقدند که غیبت باران نشان دهنده ناخوشنودی این ایزد است. برای جلب نظر ایزد آب و باران، مردم در زمان خشکسالی به برگزاری مراسم باران خواهی می پردازند و با دعا و نذر به خداوند متعال نزدیک می شوند. باور به وجود ایزد آب و باران نشانگر احترام و ارادت مردم به طبیعت و وابستگی آنها به منابع آب و کشاورزی است.

در ادبیات و فولکلور بختیاری، داستان‌ها و افسانه‌هایی درباره‌ی این ایزد و سفرها و تلاش‌های وی برای آوردن باران وجود دارد که به عمق احساسات و اشتراکات فرهنگی این قوم اشاره دارد. این اعتقادات و باورها نشان‌دهنده‌ی پیوند عمیق مردم بختیاری با زمین، آب و زندگی روزمره آنهاست.

یکی دیگر از نمادهایی که با آب در ارتباط است و در میان بختیاری‌ها نیز جایگاه ویژه‌ای دارد باران است. در سراسر جهان، باران به عنوان نماد اثرات آسمانی بر روی زمین است. بختیاری‌ها باران را رحمت الهی قلمداد می‌نمایند؛ زیرا معتقدند بارش باران تمام هستی را می‌شوید و ناپاکی‌ها را از میان می‌برد و نیز موجب رونق زندگی و جوشش چشمه‌ها و رودها می‌شود و نیز کشاورزی را رونق می‌دهد.

این نکته واقعیتهای بدیهی است که باران عامل بارور کننده‌ی زمین است و زمین از آن حاصلخیز می‌شود؛ به همین دلیل آیین‌های زراعی شکل گرفته‌اند تا باران ببارد و آب بر زمین جاری شود و چشمه‌ها بجوشند. بن مایه‌های متعلق به آیین‌های آب را می‌توان در مراسمی که امروز با عنوان طلب باران یا باران خواهی در نقاط مختلف ایران، به صورت محدودتر و ساده‌تر از گذشته به اجرا در می‌آید، مشاهده کرد. «باران خواهی نام گروهی از ترانه‌های نیایشی برای طلب باران است. باران خواهی از آداب و رسوم ایرانی است که در آن، اشعاری به زبان محلی در مناطق مختلف ایران خوانده می‌شود. این مراسم و آیین که ریشه در اعتقادات و باورهای دینی و اسطوره‌ای داشته و مخصوص پرستش آناهیتا_الهه‌ی باروری و آبیاری_ است، پس از ظهور اسلام دگرگونی یافته است و امروزه در مناطق مختلف ایران به هنگام خشکسالی یا کمبود باران به نام مراسم باران خواهی یا دعای طلب باران برگزار می‌شود.»

(شیرمحمدی، ۱۳۸۹: ۱۱) «آیین های تمنای باران که در ایران برپا می شود، مملو از نشانه های اساطیری است که بخش اعظم آنها در آیین های پیرامون آناهیتا و تیشتر ریشه دارد» (عظیم پور، ۱۳۸۹: ۱۴۷) مراسم دعای باران یا باران خواهی در نتیجه ارتباطی است که بین انسان، اعتقادات و نیازهایش شکل گرفته است. عجز از درک و دریافت قوانین طبیعی حاکم بر این پدیدهها از یکسو و ناتوانی انسان در برگرداندن شرایط پیرامون خویش از طریق وسایل و ابزار یکی از علل پیدایی آیینهای گوناگون است. در تمام این آئینها باران خواستن از نیرویی طبیعی است که خشکسالی بر مردم عارض کرده و زندگی را به تنگنا کشانده است. سختی و تنگنا، مردم این دیار را به کنج عزلت نمی کشاند، بلکه نیرویی خاص به او می دهد تا با باورها و آیینهای خود، به جنگ با دیو قحطی و خشکسالی برود و می داند با همه محدودیت و ناتوانی که دارد، او پیروز این میدان است. هنگام بررسی نقش خدایان اساطیری در تمامی فرهنگهای کهن، می توان متوجه کارهای سترگ و شگرف این بانو خدایان در عرصه اساطیر شد. این آیین در نزد بختیاریها جایگاه خاصی دارد و می توان به اختصار به چند نمونه ی بارز آن اشاره کرد.

۱_ ۴. سنگ های باران زا (برد بارون زا)

از قدیم در امامزاده شاه قطب الدین سه سنگ وجود داشته است که به «سنگ باران زا» یا «سنگ رحمت» شهرت دارند و هر یک نام خاصی دارد: ۱- سنگ بارانزا که بزرگتر است و سنگ «شه زلزله» نیز گفته می شود؛ ۲- سنگ بادآور (سنگ متوسط)؛ ۳- سنگ طوفانزا (سنگ کوچک).

این سه سنگ، سه معجزه دارند؛ اولی معجزه باران؛ دومی معجزه باد و سومی معجزه طوفان را دارد. در بختیاری رسم بر آن بوده که به هنگام خشکسالی و نباریدن باران، عده‌ای از ریش‌سفیدان به همراه سایر مردم، سنگهای باران‌زا را واسطه قرار می‌دادند و طی مراسمی خاص، بر روی این سنگها قوچ یا گاوی را قربانی می‌کردند تا سنگها به خون قربانی آغشته شوند؛

آن‌گاه سنگها را بلند کرده به صورت عمود قرار می‌دادند و ضمن نیایش، خواستار بارش باران می‌شدند. بر این باور بوده‌اند که توسل به بردهای باران‌زا، بارش را در پی خواهد داشت؛ بنابراین زمانی که از لطف آسمان ناامید می‌شدند به بردهای باران‌زا متوسل می‌شدند. «در ایران باستان مردم به بعضی از سنگ‌ها و خواص آنها اعتقاد داشتند و از آنها برای شکستن طلسم ابرها و ایجاد باد و باران و برف و سرما و معالجه امراض استفاده می‌کردند» (به آذرین، ۱۳۱۱، ۷۹)

در پایان مراسم باران‌خواهی، قربانی یا صدقه داده می‌شود همانگونه که برای آنهایتا نیز قربانی داده می‌شد. ایزد تیشتر نیز «تا قربانی‌هایی بدو تقدیم نشود نمی‌تواند دیو خشکسالی را شکست دهد و آبهای زندگی بخشش را به وجود آورد» (هینلز، ۱۳۶۸: ۱۷۹). در اسطوره‌ی باران، تیشتر پس از شکست به درگاه اهورامزدا از مردم شکایت می‌کند که برایش قربانی نمی‌کنند و درنهایت این خود اهورامزداست که خود را برای تیشتر قربانی میکند تا نیرو گیرد و بر اپوش غلبه کند.

قربانی نماد صرف نظر کردن از پیوندهای زمینی به خاطر عشق به الوهیت است. قربانی تنها هنگامی با ارزش است که روح را از تمامی رفعت جوی‌ها تزکیه کند. تمامی فضیلت قربانی و نذر در ارتباط میان ماده و روح است.

می‌توان اطمینان داشت که این تبادل یا واسطه قرار دادن نیروهای مادی روی نیروهای معنوی عمل می‌کند؛ اما این تبادل نیرو در جادو برعکس عمل می‌کند و انحراف می‌یابد. مهرپرستان عقیده داشتند که مهر از سنگ متولد شده، زیرا سنگ شکست‌ناپذیر و جاودانه است. آیین مهر، آفرینش و حیات با قربانی شدن گاو به دست مهر صورت می‌گیرد، پس از پایان یافتن این خویشکاری، مهر که دیگر مهمترین وظیفه خود را انجام داده است، به فراز می‌رود، به نوعی به هدف غایی دست می‌یابد.

ایرانیان در ابتدا و در زمان آیین میترائیسم دامدار بودند؛ بنابراین قربانی کردن گاو امری غیرمعمول نبوده است. همچنین کتیبه‌ها و نقاشی‌های یافت شده از دوران باستان نشان دهنده عمل قربانی کردن گاو به عنوان آیینی عبادی و نمادین بوده است: «معابد و غارهای مهری نیز با حاشیه گل و گیاه تزئین می‌شدند که گویای تاثیر شگفت‌انگیز عمل قربانی گاو بود. وقتی گاو به حال تشنج ناشی از احتضار می‌افتاد خونی که از او بیرون می‌آمد گندمها را آبیاری و تغذیه میکرد.» (ورمازن، ۸۲: ۱۳۹۳)

هزیود در توصیف جوامع گله دار بدوی اشاره می‌کند که آنها گاو را همان ابر باران زا می‌دانستند و چون خدایی میپرستیدند: ورزا یا قوچ در نظر آنان نمایانگر آسمان خدای مذکر بود. هم او بود که باران را به چراگاهها نازل می‌کرد و آنان امعا و احشا قربانی‌هایی را که نثار این خدا می‌کردند، به فال نیک می‌گرفتند و بخت نیک خویش را بدان مربوط میدانستند. (ژیران ۱۱: ۱۳۷۵) بختیاری‌ها در بعضی نقاط، چوبهایی به دم، شاخ و پای گاوها می‌بستند، آنها را به بالای کوهی می‌بردند و آتش

می‌زدند و گاوها باعث اضطراب و وحشت می‌شدند؛ فرشتگان نگهبان باران را به ترحم و می‌داشتند و برای آنان باران نازل می‌کرد» (داودی حموله، ۵۱۲: ۱۳۹۳).

۲_ ۴. کل الیکوسه

«هارونکی» یا «هَل هله کوسه» یا «کل الیکوسه» همان مراسم کوسه گردانی از آیین های نمایشی است که در شب هنگام فصل کم باران یا بی بارانی به نمایش گذاشته می‌شود. یک نفر را به عنوان کوسه برمی‌گزینند (کوسه نمادی از دیو خشکسالی). این مرد نقش اول را بر عهده دارد و پیش‌قراول این مراسم است.

کوسه را به هیئت دیوی آراسته، صورت او را سیاه نموده و دو شاخ بر سر او آویزان می‌کنند. در حالی که عده‌ی زیادی از مردان و جوانان کوسه را فرا گرفته‌اند و در منازل و چادرها می‌روند. این فراکرد کوسه گردانی نشانی از غلبه مردم بر خشکسالی است. در مسیر و سیاهی شب، این آواز را همراه با سر و صدای زنگوله‌ای که کوسه می‌نوازد، می‌خوانند:

خدا بزَن بارون / سی دل گله دارون

خدا بزَن تو بارون/ زه راست غله دارون و... «(شهبازی، ۱۳۸۷: ۷۴)

«افرادی که صدا را می‌شنوند، از چادرها بیرون می‌آیند و به سر و صورت کوسه آب می‌ریزند و صاحبان چادرها مقداری قند یا آرد به آنان می‌دهند و بالاخره یک نفر حاضر می‌شود که ضامن کوسه شود و اسم سه کچل از ایل را می‌برد که ضامن کوسه شوند؛ کوسه قول می‌دهد که در دو سه روز آینده باران ببارد» (جاوید، ۱۳۷۶: ۱۵۰).

اگر ازخانه ای هدیه ای داده نمی شد بچه ها دم می گرفتند (ودسته جمعی می خواندند): «خونه گدا هیچی ندا» گروهی که مراسم تمنای باران را اجرا می کردند، بجز آرد بخش عمده ای از هدایا را به افراد نیازمند می رساندند و بخشی را هم بین خود تقسیم می کردند (به ویژه آجیل و خشکبار را)، بعد مقداری آرد را خمیر می کردند و با آن گرده (gerde) (نان قطور محلی) می پختند و در خمیر نان مهره (لُپک^۲) در آن قرار می دادند؛ وقتی که نان پخته می شد، آن را بین افراد حاضر تقسیم می کردند، هر کس که مهره در سهم نانش می بود، در یک نمایش و با سر و صدا او را دوره می کردند و به صورت شوخی و نمادین همه او را به باد کتک می گرفتند (هرچند گاهی دیده می شد که نوجوانها اجرای نمایش را جدی می گرفتند).

وقتی مراسم به اینجا می رسید یکی از بزرگان پا پیش می گذاشت، میانجی می شد و ضمانت وی می شد که تا چند روزدیگر خداوند باران رحمت خود را نازل خواهد کرد. التماس و فروتنی آنها مورد لطف خداوند واقع می شود و بعد از دوالی سه روز بارش باران شروع می شود. بعضیها هم بر این باور بودند که دعای آن میانجی و مدافع اثر خواهد کرد و آن سال به قول مردم «ترسالی» خواهد شد، باران در پاییز و برف در زمستان خواهد بارید تا چشمه سارها پرآب، زمینهای کشاورزی پرمحصول و مراتع سرسبز شوند. واژهی هَلْ هَلَهْ گویی هم معنی واژهی فارسی هلهله است یعنی سر و صدای توأم با شادی. و اما واژهی کوسه به مرد بدون ریش و سبیل اطلاق می شده، اما در این جا ممکن است، صدای کوس دهل باشد، چون با هلهله تناسب دارد.

حضور کوسه در آیین های باران خواهی، متناسب به ایزدبانو آناهیتا است. کوسه‌ی مذکر که جانشین عروسک مؤنث آیین های باران خواهی شده است و به نوعی توصیف دیو اپوش در مقابل ایزد تیشتر است (نک: نعمت الهی، ۱۳۹۱: ۲۹۹). کوسه شخص قراردادی و نمادین و مظهر و ایزد باران است که علامت یا مشخصه‌ی آن، سرپوش نمدی و دو شاخ است که بازمانده از تاریخ ایلام باستان است.

«در نقش برجسته ایلامی کورانگون، یک خدا یا شاه ایلامی به اتفاق همسرش، در یک مراسم آیینی که به روشنی تطهیر در آب را می نمایاند، نشان داده شده است. هر دو نفر، خدا و خدایانو یا شاه و شاه بانو، کلاه یا تاجی که دارای دو شاخ است بر سر دارند. مشابه این نوع کلاه در مهرها و نقش مهرهای متعدد یافته شده و در کاوشهای ایلامی یدیده می‌شود» (نگهبان، ۱۳۷۲: ۲۰۶). و طی این مراسم دیو خشک سالی را که همان کوسه باشد از روستا می راندند تا با رانده شدن او باران بیارد.

از نظر ساختار آیینی ساخت عروسک یا برگزیدن شخصی و انتساب هویتی نمادین به او، حرکت دسته های مردم، ریختن آب، خواندن نیایش و آواز و درخواست باران، گرفتن هدیه از اهالی منطقه، پختن نان یا آش، نشاندارکردن نان یا خوراکی و زدن کسی که نشانه در سهم نان او پیدا شود تا پیدا شدن یک ضامن و انجام برخی کردارهای آیینی دیگر بنا بر موقعیت جغرافیایی است.

در هرکدام از این الگوها اشاراتی نمادین به باوری کهن و اسطوره‌های و باورهای جادویی دیده می‌شود که برپاکنندگان آیین طبیعت را به نزول باران وادارند. بخش عمده آیینهایی که انسان نخستین و حتی پیشرفته اجرا میکنند. ضامن شدن و پیمان بستن برای باریدن باران از مهم ترین وظایف ایزد مهر یعنی ایزد نگهدارنده پیمانهاست.

از ضمانت در بارانخواهی به عنوان ابزاری برای در تنگنا قرار دادن ایزدان استفاده می‌شد. مردم بین خود جنگ زرگری راه انداخته و با کتک و گاه مظلوم‌نمایی یکدیگر را مجبور به انعقاد پیمانی می‌کردند. از آنجا که برای بر سر پیمان بودن، یعنی باریدن باران، هیچ توانی به جز دعا نداشتند، دعای خود را به موضوع مورد علاقه مهر می‌آمیختند و به خیال خود به قدرت دعا می‌افزودند.

در واقع با راز و نیاز به ایزد مهر می‌گفتند که اگر دعایشان را مستجاب نکند، پیمان شکن محسوب خواهد شد. گاهی صاحب‌خانه به پشت بام می‌رفت و به محض رسیدن دسته رونده آب بر سر و رویشان می‌پاشید، چون مردم آب را نماد روشنایی و آمدن خوشی و خرمی می‌دانستند.

ریختن آب اشاره به برآورده شدن نیاز دسته روندگان دارد که در تمنای بارانند، زیرا همواره آب پاشیدن با بارانخواهی مرتبط بوده است. صدای شر شر، سرایش نیروی ایزدی و از طرفی نماد و نشانه آب‌های جان‌بخش الهی است و نماد و نشانه باروری در طبیعت است.

یکی از رسوم که در آیین باران خواهی رواج دارد، گرفتن هدیه است. جمع آوری نذورات و هدایا در مراسم کوسه‌گردانی اشاره به فدیة دادن به آنهاست. این هدایا به صورت آرد یا گندم هستند، گندم تنها یک ماده‌ی خوراکی نیست، بلکه نماد برکت نیز به شمار می‌رود و نانی هم که از گندم پخته می‌شود برکتی خدایی محسوب می‌گردد.

کمبود بارش باران باعث کاهش رشد گندم می‌شود و این ارتباط مستقیم با کاهش برکت دارد و شاید به همین علت است که گندم در این مراسم نقش مهمی ایفا می‌کند. به هر روی اعتقادات بختیاری‌ها درخصوص قداست و حرمت آب، چشمه و باران از دیرباز و از اعصار کهن تا به امروز به حیات خود ادامه داده است. اعتقادات این مردمان روایتگر تصاویری بکر و مانا از هزاره های گمشده این سرزمین می‌باشند این باورها با ما سخن می‌گویند و ما را به هزاره های کهن می‌برند و بر عکس این هزاره های دیرین را به دوره ما می‌آورند و این دنیای پر از رمز و اشارت لحظه به لحظه با ما و در کنار ما به حیات ازلی خود ادامه می‌دهند.

۳_۴. دا بارون

این آیین کهن مذهبی را که دعایی برای باریدن باران است، زنان و کودکان در زمستان و بهار اجرا می‌کنند. نحوه‌ی اجرای این مراسم دعا و نیایش بدین شکل است که زنی خوش‌سینما و خوش قامت با کوله‌باری بر دوش و خورجینی که در آن مشک خشک تهی از آب و سه قطعه چوب که از ملار خانه گرفته است و با ریسمان وریس به گونه‌های خاص به کمر بسته است راهی کوه می‌شود و سرنا نوازی در پایین دست او شروع به نواختن آهنگ (دو دسماله) می‌کند؛ الهه‌ی مقدس (بانوی رقصنده) دستمال‌های خود را در آسمان می‌چرخاند و پایکوبی می‌کند و گروهی از مردم نیز با دست زدن، بانوی دستمال به دست رقصنده را همراهی می‌کنند و در پی دا بارون با هم می‌خوانند:

دا تشمه، بوو گسنمه (مادر تشنه ام، پدر گرسنه ام .)

پس از طی مسافتی دور از آبادی در مکان مناسبی فرود می‌آیند و نیایش می‌کنند و از خدا طلب باران می‌کنند که در این میان یکی از بزرگان و ریش‌سفیدان کهن‌سال در پی آن‌ها آمده و آنان را از رفتن مجدد باز می‌دارد و به ایشان قول می‌دهد که خداوند باران رحمتش را از بندگان دریغ نمی‌کند و همگی را به خانه بر می‌گرداند.

نمایش‌های آیینی بخشی از فرهنگ عامه و جز جدانشدنی از ادبیات غنی مردمی است رکن اصلی مراسم و عنصر اصلی در تمام دیالوگ‌ها نمایش، شعر خوانی فردی و گروهی است. شعرها و سروده‌هایی که خوانده می‌شود عمق اضطراب، اخلاص، اصرار، و شوق مردم در طلب خواسته‌هایشان را نشان می‌دهد.

برگزاری آیین باران خواهی، مردم به صورت راهپیمایی و دسته روی در پشت سر بانوی رقصنده می‌باشد و در برگزاری آیین آن‌ها نیز مردم در پشت تندیس حرکت می‌کردند. در اجرای گروهی زنان و کودکان نقش اصلی را دارند. در این نمایش، کودکان نماد معصومیت و پاکی هستند که دعاهایشان برای بارش باران، از سوی خدا سریعتر مستجاب خواهد شد.

در آیین باران بختیاری، نقش خدا و به خصوص بانوان بسیار ویژه و مهم است. این آیین به عنوان یکی از مراسمات فرهنگی و مذهبی قوم بختیاری برگزار می‌شود و در آن، بانوان به عنوان نگهداران سنت‌ها و آداب و رسوم، نقش کلیدی ایفا می‌کنند. بانوان در این مراسم معمولاً دعاها و نیایش‌های مخصوصی را برای جلب باران و رحمت‌های الهی انجام می‌دهند. بانوان وظیفه دارند که با تدارک غذا و سایر ملزومات، مراسم را برگزار کنند. این نشان‌دهنده‌ی حفظ و انتقال فرهنگ و آداب محلی است.

در بعضی از مراسم، بانوان از الگوهای طبیعی مانند گل‌ها و گیاهان برای نشان دادن پیوند با طبیعت و درخواست باران استفاده می‌کنند. بانوان در اجراهای موسیقی و رقص‌های محلی مشارکت دارند که به افزایش روحیه مراسم و جلب توجه خداوند می‌انجامد. علاوه بر جنبه‌های مذهبی، این مراسم موجب تقویت پیوندهای اجتماعی بین بانوان و افراد خانواده و جامعه می‌شود. به طور کلی، بانوان در آیین باران بختیاری نه تنها به عنوان نمایندگان فرهنگی و مذهبی ایفای نقش می‌کنند، بلکه به عنوان پیونددهندگان جامعه و نگهدارندگان سنت‌ها نیز شناخته می‌شوند.

۷. نتیجه گیری

آب به دلیل اهمیت و ارزشی که در فرهنگ ایران دارد؛ منشأ نمادها، اسطوره‌ها و آیین‌های بسیاری بوده است. بنابراین اسطوره‌ها و خدایان که مردم به آنان متوسل می‌شدند هرکدام نماد و نشانه‌هایی داشت که بیشتر در ارتباط با عناصر طبیعت بود. مطالعه‌ی باورهای عامیانه‌ی مذکور، این نتیجه به دست می‌آید که این باورها در لحظات عجز و ناتوانی و یأس و نومیدی بشر در تحقق رؤیایی و برخورد با اموری چون: قحطی، فقر، بیماری و مرگ، همان خدمتی را به انسان می‌کردند که امروز بخشی از آن خدمات، رسالت روانپزشکی است؛ یعنی آرامش روح و روان؛ علاوه بر این، از نظر مردم این منطقه، جهان، رازآلود است، هر اتفاق و رخدادی، معنادار است، همه چیز، جاندار است و نیروهای پنهان و مرموز در پس همه اجزای کیهان وجود دارند. آن‌گاه که چشمه‌های آسمان به روی زمین بسته می‌شود و کمبود آب زندگی مردم را با خطر مواجه می‌کند باورها و سنت‌ها رنگی دیگر به خود می‌گیرند و بیش از پیش در زندگی مردم نمایان می‌شوند آیین‌های باران‌خواهی یکی از مهمترین آیین‌های برجا مانده از گذشته است. بررسیها نشان می‌دهد که بخش زیادی از باورهای کهن اساطیری در بین مردم قوم بختیاری همچنان باقی مانده است. این باورها گاه چنان با زندگی مردم آمیخته‌اند که بر همه ارکان آن تأثیر می‌گذارند؛ به گونه‌ای که جدا کردن و گاه تشخیص آن بسیار دشوار است. آیین‌های باران‌خواهی در قوم بختیاری از آداب و رسوم کهن ایرانی است که ریشه در اعتقادات و باورهای دینی و اسطوره‌ای دارد و یادآور پرستش آناهیتا، الهه بارندگی و آبیاری، و ایزد تیشتر ایزد باران و مهر یکی دیگر از ایزدان باستانی است. باران‌خواهی معمولاً در فصل‌های

خشک و کم‌آبی، به‌ویژه پیش از شروع فصل بهار و تابستان، برگزار می‌شود. این مراسم در مکان‌های طبیعی و مقدس، مانند دشت‌ها و کنار چشمه‌ها و رودخانه‌ها، انجام می‌شود. مردم به صورت جمعی نماز باران را برگزار می‌کنند و از خداوند درخواست باران می‌نمایند. نیایش به درگاه خداوند و خواندن دعاهای مخصوص باران به عنوان بخشی از مراسم انجام می‌گیرد. در برخی مواقع مردم نذری می‌دهند که اگر باران بیافتد، قربانی‌ای انجام دهند. این قربانی معمولاً شامل حیواناتی نظیر گوسفند یا بره است. به طور معمول، مراسم باران خواهی با موسیقی محلی و رقص‌های سنتی همراه است. این رقص‌ها نشان‌دهنده‌ی شادی و امید مردم به بارش باران می‌باشد. در بسیاری از مراسم، از نمادهای طبیعی مانند چوب‌های خشک، برگ‌ها و گل‌ها استفاده می‌شود. این نمادها می‌توانند بیانگر نیاز به باران و شکوفایی طبیعت باشند. مردم در این مراسم دور هم جمع می‌شوند و به تقویت رابطه‌های اجتماعی و همبستگی می‌پردازند. این جمع‌گرایی نشان‌دهنده‌ی فرهنگ قوی مردمی است که کنار هم برای طلب برکت و بارش دعا می‌کنند.

منابع

- اوستا: (۱۳۸۵)، به کوشش جلیل دوستخواه، چاپ دهم، تهران، مروارید .
- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۷)، اسطوره و اساطیر ایران، تهران: سمت.
- اسماعیلپور، ابوالقاسم. (۱۳۸۷) اسطوره، بیان نمادین، چاپ دوم، تهران: سروش.
- بهار، مهرداد. (۱۳۹۱) پژوهشی در اساطیر ایران، چاپ نهم، تهران: آگه.
- بهار، مهرداد. (۱۳۸۶)، ادیان آسیایی، تهران: چشمه.
- به آذرین، داریوش. (۱۳۱۱)، «اعتقادات مردم اردبیل در مورد سنگ باران زا»، بررسی‌های تاریخی، شماره ۴۰، سال دوازدهم، صص ۱۲۱-۱۴۲
- جاوید، هوشنگ. (۱۳۷۶)، «سیری در ترانه‌های باران»، مجله شعر، سال چهارم، ش ۲۱، صص ۱۵۵-۱۴۵.
- داودی حموله، سریا. (۱۳۹۳)، دانشنامه قوم بختیاری، اهواز: معتبر.
- ژیران، ف ؛ لاکوئه، گ ؛ دلپورت، ل . (۱۳۷۵) فرهنگ اساطیر آشور و بابل . ترجمه ابوالقاسم اسماعیلپور. تهران: فکر روز.
- شهبازی، محمدرضا. (۱۳۸۷)، «آیین و مراسم نمایش وارهای در ایل بختیاری»، فصلنامه تخصصی تئاتر صحنه، ش ۷۶، صص ۷۰-۷۵.
- شیرمحمدی، مهری. (۱۳۸۹)، « باران خواهی در ایران» (آیین پنجاه بدر در قزوین)، ماهنامه حافظ، ش ۷۳، صص ۱۱-۱۶.
- عابدی، حمید. (۱۳۸۵)، «رسوم آئینی و ارزش های اخلاقی، مدیریت زندگی»، مجله حدیث زندگی، تیر و خرداد، شماره ۲۹ .
- عظیم پور، پوپک. (۱۳۸۹)، فرهنگ عروسکها و نمایش های عروسکی آیینی و سنتی ایران، تهران: نمایش .
- عقیقی، رحیم. (۱۳۷۴)، اساطیر و فرهنگ ایران در نوشته‌های پهلوی، تهران: توس.
- گویری، سوزان. (۱۳۸۲)، یسن های اوستا و زند، تهران: شمشاد.

نعمت الهی، مریم. (۱۳۹۱) ، «رمزگشایی پاره ای آیین های باران خواهی ایران»، مجله مطالعات ایرانی، سال یازدهم ، ش ۲۱ ، صص ۲۷۱-۲۸۵.

نگهبان، عزت الله. (۱۳۷۲)، حفاری هفت تپه دشت خوزستان، تهران: انتشارات سازمان میراث فرهنگی.

ورمازرن، مارتین. (۱۳۹۰) آئین میترا، ترجمه بزرگ نادرزاد، چاپ هشتم، تهران: چشمه
هال، جیمز. (۱۳۸۰)، فرهنگ نگارهای نمادها در شرق و غرب، ترجمه : رقیه بهزادی، تهران :
نشر فرهنگ معاصر.

هینلز، جان راسل. (۱۳۶۸)، شناخت اساطیر ایران، ترجمه ژاله آموزگار و احمد تفضلی، تهران:
چشمه

